

چند روز دیگر می شود این رمان را خواند

عصب کشی

محمدهاشم اکبریانی رمان هایی منتشر کرده که اغلب حال و هوایی تجربی داشته‌اند و مخاطبان ششان نیز او را با این روحیه تجربه‌گرا می‌شناسند.

اما جدیدترین رمان او، «عصب‌کشی»، روایتی‌ترین و داستانی‌ترین کتابش محسوب می‌شود. اکبریانی در این رمان تلاش کرده با محور قرار دادن یک شخصیت متفاوت قصه‌ای بسازد که در آن مفاهیم فلسفی در حال و هوایی اجتماعی به داستان کشیده شود. این مفاهیم در چند فضای متفاوت با قهرمان رمان گره می‌خورد. «صفر» را که شخصیت نخست رمان اکبریانی است، می‌توان یک کلبی مسلک کامل دانست، او که در نوجوانی‌اش تصمیم گرفته لب از هم باز نکند و در جامعه و خانواده ساکت بماند، فقط در برابر آینه و تصویر خودش حرف



می‌زند. حرف‌های او نیز از خودشیفتگی‌اش حکایت دارد.

او در برابر آینه عریان می‌ایستد و با خود، بلند حرف می‌زند و خود را می‌ستاید. در عین حال هیچ آبیایی از بر خوردهای گاه تند ندارد که به خاطر بی‌ارتباطی با آدم‌ها رخ می‌دهد، او فقط حرکت می‌کند و مدام در حال خوردن است؛ گرچه گاهی برای ساعت‌ها حتی لقمه نانی به دهانش نمی‌برد. همین امر از او یک پرسوناژ خاص ساخته که عمدتاً اطرفیانش را به سرحد جنون می‌رساند.

اکبریانی در این فرآیند تلاش کرده مسیر مقاومت زیستی یک انسان را در برابر دنیای پیرامونش روایت کند؛ مقاومتی که فراتر از معناهای سیاسی یا اجتماعی است و بیش از هر چیز نشان از حرکت کاملاً فردی و ایزوله‌شده او دارد. او می‌خواهد در سکوتی مطلق صداهای دیگران را به هیچ‌انگارد و خود را به دست حوادثی بسپرد که گاه بسیار در قبالتش بی‌رحماند... تولد یک یابی. رمان «عصب‌کشی» را نشر چشمه منتشر کرده است.

در جست‌وجوی معنای زندگی

«انسان خردمند؛ تاریخ مختصر بشر» پژوهشی اثر گذار درباره انسان است

• مهرداد رهسپار کوشکی •

روزنامه نگار

چندی است ناشران دست‌شسته از کتاب‌های «زرد» در حوزه «معنای زندگی» و آثاری که در حوزه‌های فلسفه و روان‌شناسی منتشر می‌کنند، قابل‌تامل‌تر و بهتر شده‌است. مجموعه‌هایی مانند «تجربه و هنر زندگی» به سرویس‌آرستاری و دبیری خشایار دهبیعی در نشر گمان، مدخل‌های دانشنامه استنفورد در حوزه فلسفه در نشر ققنوس، از آن جمله کتاب‌های نشرنو در حوزه «معنای زندگی» است.

این آثار علاوه بر ارزش‌های علمی و فلسفی با چاپ و ترجمه خوب در بازار عرضه شده‌اند. تازه‌ترین کتاب از این مجموعه «انسان خردمند؛ تاریخ مختصر بشر» نوشته یووال نوح هراری ترجمه نیک‌گرگین در نشر فرهنگ نو منتشر شده‌است. این اثر از محمدرضا جعفری مدیر نشر – ویراستاری کرده است.

کتاب انسان خردمند سال ۲۰۱۴ به انگلیسی ترجمه شد و در مدت کوتاهی به ۳۰ زبان دیگر ترجمه و منتشر شد. این اثر مدت‌ها در فهرست کتاب‌های پر فروش قرار داشت. چهره‌های مطرح جهانی مانند باراک اوباما و بیل گیتس، دیگران را به خواندن این کتاب توصیه کردند.

تحول تاریخی انسان خردمند از سه مرحله اصلی عبور کرد که اولین آن «انقلاب شناختی» در حدود ۷۰ هزار سال قبل آغاز شد. این مرحله نقشی حیاتی در چرخ صعودی انسان خردمند داشت. جهش ژنتیکی او را قادر به فکر کردن به اشکالی غیر مترقبه کرد و موجب شد تا بتواند از تباطات فی‌مابین را به زبانی کاملاً متفاوت سازمان دهد، به طوری که نه تنها قادر به انتقال اطلاعات بشود، بلکه همچنین فم‌هایی تخیلی



نویسنده – مخاطب

هزاران نفر این کتاب‌ها را خواندند

نگاهی به پدیده‌ای به نام جوجو مویز

• حسن همایون •

شاعر و روزنامه‌نگار

«وقتی از حمام بیرون می‌آید، زن هم بیدار شده است، بر بالش تکیه داده و کتابچه راهنمای سفر کنار تخت خوابش را ورق می‌زند...

مرد همان‌جا می‌ایستد و با حوله موهایش را خشک می‌کند، سرخوش از یادآوری خاطرات است.»
داستان «من پیش از تو» این‌طور آغاز می‌شود؛ بی‌هیچ چیز خاصی زن و مردی در خانه‌شان گرم‌زدگی عادی‌شان هستند و هریک چیزی را به «یاد» می‌آورند، همین رویدادی را که مخاطب از آن بی‌خبر است و همین تمهید ساده، بهانه‌ای برای ورود به داستان است.

در کتابفروشی محبوبم، «کتاب آفتق» که می‌چرخم و از پیش‌خوان تازه‌ها عنوان‌های جدید را وارسی می‌کنم و نام خیلی از نویسنده‌ها و ناشرها برایم ناآشناست و هر یک‌روز و هر دو‌روز یکبار، میز تازه‌های کتابفروشی به‌روز می‌شود و در میان انبوه کتاب‌هایی که صدها ناشر بیرون می‌دهند، مدودی هم فرصت آن را پیدا می‌کنند روی پیش‌خوان تازه‌های کتابفروشی چند روزی در معرض دید باشند و در این مدت کوتاه اگر این بخت را یافتند که مخاطب‌ها آنها را بخرند و به هم توصیه کنند، می‌توان به فروش آنها امید داشت، اگر نه، می‌روند لای انبوه کتاب‌ها در قفسه‌های کتابفروشی و بعید بتوان امید بست که راه به میان مخاطب‌ها باز کنند؛ به تقریب می‌توان گفت از میان هر هزار عنوان کتاب داستانی خارجی و ایرانی، یکی فرصت آن را پیدا می‌کند تا به میان مخاطب‌ها راه می‌یابد و جوجو مویز هم یکی از بی‌شمار نویسندگان ادبیات جهان است که با اقبال مخاطب‌ها روبه‌رو شده است، بر خلاف بی‌شمار

نویسنده‌ای که هرگز اقبال نیافتند و قدر ندیدند در حالی‌که از حیث ارزش‌های ادبی و زیبایی‌شناسی و خلاقیت از آثاری مانند جوجو مویز، آنا گاولدا، الیف شافاک بهتر بودند. شبکه پیشنهادهای مخاطب‌ها به هم و توصیه رو در روی آنها، موثرترین شیوه توجه مخاطب‌ها به کتاب است و این نویسنده‌های نامبرده و ناشران آنها این اقبال را داشتند که کتاب‌شان در میان شبکه مخاطب‌های کتاب دیده و بارها تجدید چاپ شود.

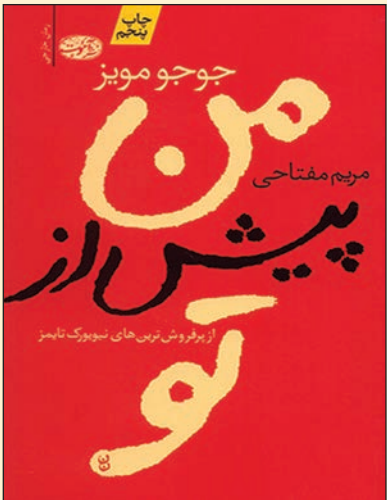
کتابفروش آفتق می‌گوید، هر روز دست‌کم چند نفر با اسم دنبال کتاب‌هایی از جوجو مویز و الیف شافاک می‌آیند، این مخاطب‌ها بیشتر از این‌که پیگیر داستان باشند، تحت‌تاثیر مُد و جریان هستند و بازتاب اثرپذیری آنها از مد‌روز هم در حوزه کتاب این‌گونه خودش را نشان می‌دهد.
با نگاهی به بخش کامنت‌های وب‌سایت فیدیبو به‌عنوان فروشگاه کتاب الکترونیک فارسی، نظر‌های متعدد و ضدونقیضی درباره این کتاب می‌توان یافت، مخاطب‌های متعدد از منظر‌های گوناگون درک و دریافت‌هایشان درباره این کتاب را در این سایت نوشته‌اند؛ کاربری نوشته است: «من این کتاب رو به خاطر نظرات مثبتی که راجع بهش نوشته بودند خریدم و خوندم ولی واقعا ناامید شدم اصلا نمی‌فهمم چرا این قدر ازش تعریف شده؛ یک موضوع خیلی تکراری فیلم‌های فارسی قدیم؛ پسر پولدار، دختر فقیر، بعدش هم کل کل پسر پولدار و دختر فقیر و کلی کمک پولی پسر پولدار به دختر فقیر که باعث می‌شه دختر فقیر بفهمه چقدر دنیا خوب و زندگی چقدر لذت‌بخشه و از این حرف‌ها. تا آخر داستان منتظر بودم بخش درخشان داستان از راه برسه.

از نظر من کتاب‌های خیلی خیلی بهتر از این کتاب وجود

داره.»
همین یکی، دومه‌ها پیش دوره دیگری از طرح‌های حمایتی ارشاد از کتابفروشی‌ها، موسوم به طرح تخفیف کتاب در کتابفروشی با عنوان‌های تابستانه با مشارکت یک‌هزار کتابفروشی در تهران و دیگر شهرهای ایران برگزار شد، یک‌سال‌ونیم از اجرای این طرح‌ها از سوی معاونت فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گذرد و این طرح‌ها در عین حالی‌که به افزایش میزان فروش کتاب در کتابفروشی‌ها کمک کرده، چند آسیب جدی هم به فضای نشر وارد کرده است و یکی از آنها هم دامن زدن به تب آثار «عامه‌پسند» است.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده در وب‌سایت خانه کتاب، آثار جوجو مویز در طی یک‌سال‌ونیم گذشته در صدر فهرست پر فروش‌های طرح‌های مذکور بوده است، گویی همه‌امکانات این طرح که به هدفی دیگر تعریف شده است، برای پر فروش شدن «عامه‌پسند‌هایی» مانند آثار مویز و الیف شافاک طراحی شده است. این عوامل بیرونی که ذکر شد، متغیرهای مهمی هستند که «جوجو مویز» بر بریتانیایی در بازار کتاب ایران در صدر قرار گیرد.

عوامل و مولفه‌های دیگری هم در رشد این دست آثار موثر هستند که مایه گرفته از داستان و عنوان آن است. روایت عمده آثار مویز، داستان‌های عاشقانه است. داستان‌هایی بدون پیچیدگی‌های فنی و روایی و بسیار سهل‌الوصول؛ مخاطب بیش‌از هر چیز سرگرم می‌شود؛ موضوعی که مریم مفتاحی، یکی از مترجم‌های آثار این نویسنده بریتانیایی در زبان فارسی بر آن تاکید دارد؛ او در اظهار نظری منتشرشده در خبرگزاری ایستما می‌گوید: «رمان‌های مویز ادبیات میانه محسوب می‌شود و سرگرم‌کننده و لذت‌بخش است.» آثار



جوجو مویز مانند همه داستان‌های سرگرم‌کننده به‌سادگی قصه تعریف می‌کند. از طرفی ضرب‌آهنگ و ریتم داستان کند نیست. این ویژگی‌ها به توجه مخاطب‌ها در جهان به این اثر کمک کرده است.

شماری از منتقدان بریتانیایی، اثر این نویسنده را یک اثر «تجاری» می‌دانند؛ اما جوجو مویز دیدگاهی دیگر درباره داستان نویسی‌اش دارد و می‌گوید: «اگر کتابی با عبارت مخوف ادبیات داستانی تجاری زنان دسته‌بندی می‌شود به این معنی نیست که نگاهی به مسائل اجتماعی ندارد و اشاره‌ای به اتفاقاتی که در دنیا می‌افتد نکرده است، با این‌طور بگوییم، چه اتفاقی می‌افتد وقتی برای شرکتی کار می‌کنید که در قرار دادش ساعت کاری تعریف نشده است. اگر بتوانم مردم را به فکر کردن وادارم و در عین حال داستانی قابل‌فهم بنویسم و هم‌زمان آنها را بخندانم و بگریانم، باید رُک و راست بگویم، اصلاً اهمیت نمی‌دهم به من چه لقبی می‌دهند. از اینکه احساسات را در خواننده برانگیزانم شرمسار نمی‌شوم.»

همچنین مولفه‌هایی مانند پر فروش بودن آثار جوجو مویز در کشورهای غربی در توجه مخاطب‌های فارسی به آثار این نویسنده موثر بوده است. هم‌چنین براساس این رمان نیز فیلمی ساخته شده است و این مولفه نیز در جلب توجه مخاطب موثر بوده است.

مولفه‌هایی مانند بازاریابی، تبلیغات، عاشقانه بودن تم و مضمون داستان و همین‌طور سادگی آن از طرفی برگزیده شدن در رقابت ادبی در بریتانیا و ساختن شدن فیلمی براساس این اثر داستانی دست‌به‌دست هم داده است تا متنی نه‌چندان خلاقانه و فاقد ارزش‌های ادبی خاص مورد توجه مخاطب قرار گیرد.

جوجو مویز:

باید رُک و

راست بگویم،

اصلاً اهمیت

نمی‌دهم به

من چه لقبی

می‌دهند.

از اینکه

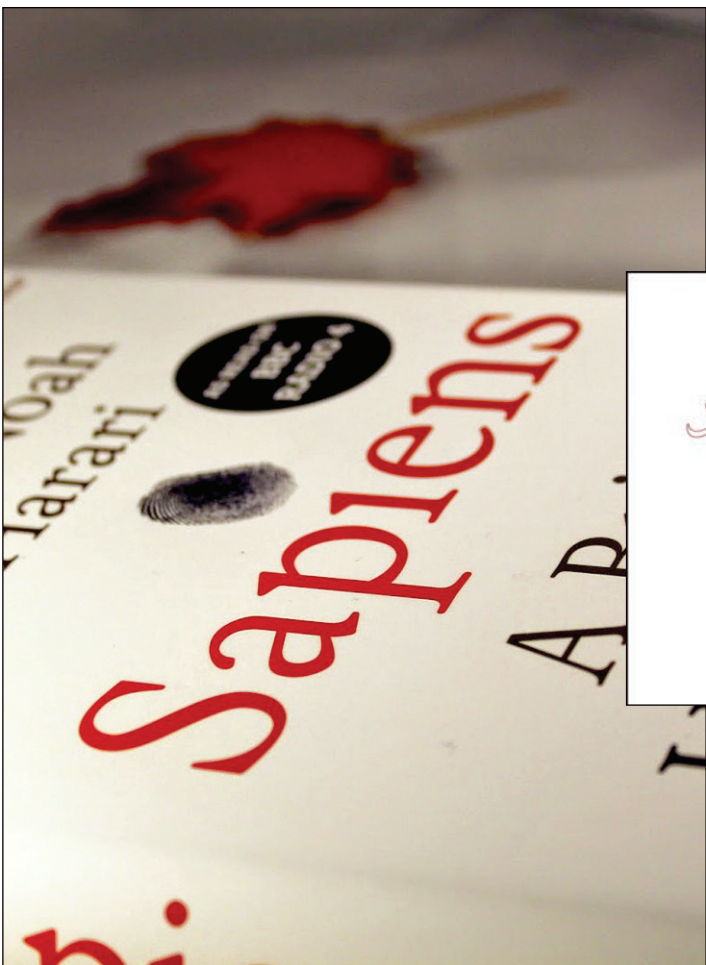
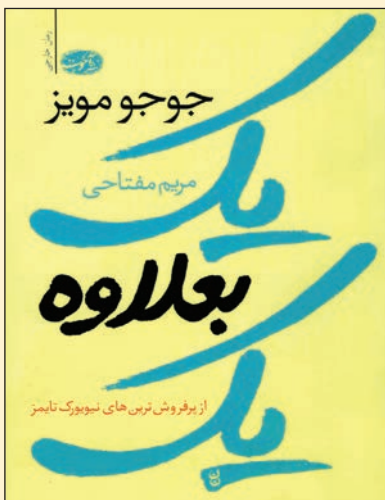
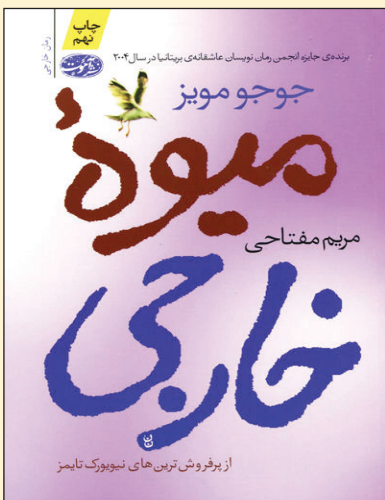
احساسات را

در خواننده

برانگیزانم

شرمسار

نمی‌شوم



انسان خردمند
تاریخ مختصر بشر

یووال نوح هراری
مترجم: نیک‌گرگین
ویراستار: محمدرضا جعفری، مهرداد رهسپار

فتوحات سرزمین‌های ناشناخته زمینه‌ساز امپراتوری‌های گسترده نوین شدند و منزلت علم در فراهم آوردن آگاهی برای گسترش باز هم بیشتر این امپراتوری‌ها و کسب ثروت‌های باز هم فزون‌تر، به بالاترین نقطه صعود کرد. ثروت‌های افسانه‌ای جدید پشتوانه تحقیقات علمی بی‌پایانی شد تا ولع سیرن‌شدنی دانش‌اندوزی را جوابگو باشد. از این پس علم و آگاهی و امپراتوری‌ای بی‌پایانی از یک کل یکپارچه شدند که در قالب یک نظام نوین سرمایه‌داری ظهور یافتند. دنیا به‌سرعت به دهکده کوچکی بدل شد و مقتضیات هر نقطه‌ای با مقتضیات سایر نقاط بر این جغرافیای یکپارچه پیوند خورد.

در این برهه تنها می‌توان از یک نظام جهانی فراگیر سخن گفت، جهانی که در آن پاسخ‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای بی‌اعتبار شده‌اند. اکنون انسان در کار طرح سسولات ناممکن و پاسخ‌های ناممکن به آنهاست. هم‌زمان با فروپاشی اکوسیستم، انسان خردمند قصد صعود به مقام خدایی را دارد و نوید زندگی جاوید را می‌دهد.

با وجود پایبندی نویسنده به تکامل و قوانین زیست‌شناسی، نتیجه‌ای که او در فصل آخر کتاب، فرجام انسان خردمند می‌گیرد جالب توجه و برای معتقدان به این‌گونه نظرات تکان‌دهنده است. او می‌گوید: به‌وسیله قوانین انتخاب طبیعی محال است بتوان وجود هوشمندانه است... پس از چهار میلیارد سال انتخاب طبیعی، آلبا در طلیعه یک عصر جهانی نوین قرار می‌گیرد که در آن زندگی تحت فرمان طراحی هوشمندانه خواهد بود.

زیست‌شناسان سراسر دنیا در نبردی با جنبش طراحی هوشمندانه گرفتار شده‌اند، نبردی که آموزش نظریه تکاملی داروین در مدارس را زیر سوال می‌برد و مدعی است که پیچیدگی زیستی ثابت می‌کند باید خالق وجود داشته باشد که پیشاپیش در تمام این جزئیات زیستی تعمق کرده باشد.

بیافزیند.

این توانایی او را قادر کرد تا به آفریدن اسطوره‌هایی بپردازد که به نوبه خود توانایی او را به همکاری انعطاف‌پذیر میان شمار کثیری از انسان‌ها ارتقا دهد. اینها زمینه‌ای بودند تا انسان خردمند به خلق هرم‌های صوری و واقعی، نظم‌های خیالی و سلسله‌مراتبی، ایجاد نظام‌های فراگیر، خدایان خیالی و امپراتوری‌ها بپردازد و پول را به‌وجود آورد. تاریخ، صحنه مجاهدات کور، و زندگی بشر فاقد هر گونه دوراندیشی بوده است.

راهنمای مشی و حرکت انسان خردمند، تجربیاتی آنی و روزمره بوده است. گذار به دوران کشاورزی گواه روشنی است که نویسنده از آن به عنوان بزرگ‌ترین فریب تاریخ یاد می‌کند. زندگی کشاورزی با دستیاری به شماری از گیاهان مثل گندم و برنج و سیب‌زمینی و کشت آنها، مترادف بود با یک سیستم غذایی فقیر. از دیاد محصول بیشتر خوراک جمعیت جدیدی بود که به گونه‌های انفجار آمیز افزایش می‌یافت.

انسان خردمند از این پس ناچار بود نظم زندگی خود را با مقتضیات گندمی که می‌کاشت هماهنگ کند و تمام عمر خود را در کنار مزرعه خود، با خانواده پر جمعیتش سپری کند. کار شاق و یکنواخت کشاورزی با طبیعت و اندام انسان هماهنگی نداشت و او را در کام مجموعه‌ای از آسیب‌های بدنی کشتانید.
زندگی انسان، در مقایسه با زندگی پیشینیان خود، بیش از پیش سخت‌تر و یکنواخت‌تر شد. زندگی کشاورزی طی ۱۰ هزار سال بدون تغییر و تحولی جدی جریان یافت. اما «انقلاب علمی» نقطه پایانی بر این سکون گذاشت. دست‌سرخسار مناطق بکر در آن سوی آب‌ها و ضرورت کسب آگاهی نوین برای دست‌اندازی‌های جدید، مقتضیات همکاری میان سرمایه و تحقیقات را فراهم آورد.